

دکتر هانس کورل

از کشور: سوئد / رشته تخصصی: حقوق / تاریخ: ۱۳۶۹

موضوع: حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب

○ کورل: آیا اعلامیه حقوق بشر که از دیدگاه غرب تدوین شده است، به نظر شما اِشکالی دارد، یا شما نیز همه آن موارد را قابل اجرا برای همه جوامع می‌دانید؟

● جعفری: همان‌گونه که می‌دانیم، هر دو نظام حقوق بشر از دیدگاه اسلام و از دیدگاه غرب، بر کرامت، حیثیت، برادری و برابری همه انسان‌ها اصرار و تأکید فراوان دارند، اما نکته مهم این‌جاست که چنان‌چه ما بر مبادی فلسفه‌های حقوق بشر از دیدگاه غرب نظری بیندازیم، خواهیم دید استدلال‌های آنان برای این ادعا، یعنی: برادری، برابری، شرف و حیثیت انسانی، آن قدر عمیق و ریشه‌دار نیست که نظام حقوق بشر از دیدگاه اسلام مطرح کرده است. یعنی: نظام حقوق بشر از دیدگاه اسلام متکی به یک سلسله مبادی و اصول مسلم می‌باشد که بسیار قوی‌تر از نظام حقوق بشر از دیدگاه غرب است. علت مسئله در این است که عوامل و ملاک‌هایی که دین اسلام، برای اثبات کرامت، حیثیت، برادری، برابری و مساوات انسان‌ها با یکدیگر مطرح می‌کند، دیدگاه‌هایی علمی، الهی، وجدانی، فلسفی و فطری است که وجود این دیدگاه‌ها، انسان‌ها را ملزم به مراعات این مختصات: کرامت، حیثیت، برادری و برابری با یکدیگر می‌داند، در صورتی که با تأمل در فلسفه‌های حقوق بشر از دیدگاه غرب، ما چنین مطالبی را نمی‌بینیم. البته ممکن است صاحب‌نظران حقوق غرب بگویند: «ما به فرهنگ‌های گذشتگان و ادیان تکیه داریم؛ آن‌ها نیز با همین دیدگاه‌هایی که شما می‌گویید، انسان را مطرح کرده‌اند». اگر این ادعا صحیح باشد، توافقی ایجاد می‌شود و جای خوشحالی است.

مبانی تساوی انسان‌ها در اسلام

مبانی تساوی انسان‌ها از دیدگاه اسلام به شرح زیر می‌باشد:

۱- تساوی در خالق

همه انسان‌ها مخلوق خداوند یکتا هستند که دارای همه صفات کمال است. در واقع، انسانی نیست که از این استناد و این نسبت مستثنی باشد. همه و همه، مخلوق خداوند هستند و لطف، عنایت و محبتی که خداوند متعال بر بندگانش دارد، در مورد همه یکسان است، مگر این‌که انسانی، به خاطر شقاوت و کثافت و پلیدی‌ها، خود را از این قابلیت عظمی برکنار کند.

۲- تساوی در حکمت و مشیت و قانون به وجود آورنده همه انسان‌ها

از دیدگاه اسلام، قانون و حکمت و مشیتهی که پیامبران و انسان‌های برجسته را به وجود آورده است، انسان‌های دیگر نیز با همان قانون خلق شده‌اند. در مورد پیامبران که دارای خصوصیات ذاتی برای تحمل رسالت بوده‌اند، می‌توان گفت: آن‌ها اختصاص‌هایی است که خداوند به آن‌ها عطا نموده است، ولی در ارزش‌های کلی، در همه مبادی که باعث به وجود آمدن انسان‌ها شده، همه مساوی هستند.

۳- تساوی در ماده اولیه خلقت (ماده خاکی)

همه ما انسان‌ها، در عرصه طبیعت از یک نوع ماده (ماده خاکی) آفریده شده‌ایم، مطابق این آیه شریفه:

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى.^۱

ما شما را از این خاک در زمین آفریدیم و به همین خاک برمی‌گردانیم و از این خاک بیرون می‌آوریم.

در این جا، باید دید مقصود از خاک چیست؟ آیا واقعاً منظور، ماده خاکی و عناصر موجود در ماده خاکی است، یا کانیالی برای عبور نفس انسان؟ البته این مطلب جای بحث و تحقیق دارد، همان‌گونه که در دانش‌ها و فلسفه‌ها مطرح شده و نظریات بسیار مهمی درباره این مسئله ابراز شده است. بنابراین، به احتمال قوی، مقصود سعدی از این که می‌گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند^۲ که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

این باشد که همه در عرصه طبیعت از یک ماده آفریده شده‌اند. البته ممکن است گوهر در این جا به معنای «نفس» و «روح» باشد. بدین ترتیب، می‌توان گفت: همه نفوس انسانی از یک نفس کلی ترشح کرده‌اند. احتمال این معنا وجود دارد و بعید نیست. در هر صورت، در این مسئله که همه انسان‌ها از یک ماده خاکی آفریده شده‌اند، جای تردید نمی‌باشد. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّكُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ.

همه شما از آدم، و آدم از خاک است.

در حقیقت، به این که همه شما از آدمید و آدم از خاک به وجود آمده، تصریح شده است.

بنابراین، کسی بر کسی ترجیحی ندارد، همان‌گونه که در آیه‌ای از قرآن آمده است:

ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و به صورت تیره‌ها و قبایل و شعبه‌ها قرار دادیم تا با یکدیگر همزیستی عادلانه و

هماهنگ داشته باشید. همانا با کرامت‌ترین شما در نزد خداوند، با تفاوت‌ترین شماست.^۳

پس می‌بینیم که انسان‌ها به حسب ذات، نسبت به یکدیگر برتری ندارند، جز در تقوا.

۴- تساوی در منشأ نسل

منشأ جریان نسل انسان‌ها عبارت است از: یک مرد و زن به نام آدم و حوا علیهم السلام. این مبدأ و سرچشمه نسلی برای همه انسان‌ها می‌باشد، چنان که نمی‌توانیم انسانی را بیابیم که از دو مرد یا از دو زن، یا از فرشته و یا از جن به وجود آمده باشد! جریان نسل استمرار داشته است، همان‌گونه که اکنون نیز انسان‌ها از یک مرد و زن به وجود می‌آیند و جریان نسل خود را بدین ترتیب طی می‌کنند. پس انسانی را در این مورد نیز بر

۲- این مصرع بدین صورت نیز آمده است: بنی آدم اعضای یک پیکرند.

۱- سوره طه / آیه ۵۵.

۳- سوره حجرات / آیه ۱۳.

دیگری ترجیحی نیست.

۵- تساوی در ماهیت و مختصات عمومی

این تساوی بسیار با اهمیت است، چنان که همه انسان‌ها از مغز، سازمان روانی، درک، علم، تداعی معانی، اراده، اندیشه، تعقل، استعداد اکتشاف و صدها مختص و نیروی دیگر برخوردارند و در این خصوصیات با هم مشترک‌اند.

البته ممکن است انسان‌ها در مورد به فعلیت رسیدن این حقایق، به خاطر محیط‌ها، تعلیم و تربیت‌ها و اختلاف فرهنگ‌ها با یکدیگر تفاوت داشته باشند، ولی انسانی که در این نقطه از دنیا دارای فهم و استعداد و معرفت و همه این حقایق ضروری می‌باشد، با انسانی که در دورترین اقلیم‌ها به سر می‌برد، در تمام این وجوه مشترک است. بنابراین، این‌که می‌گوییم انسان‌ها با یکدیگر برابر و برادر و مساوی‌اند، منشأ بسیار اصیلی دارد و مطلب، صرفاً یک موضوع احساسی و ذوقی خالص نیست.

۶- تساوی در هدف اعلاء

در حقیقت، خداوند متعال همه ما انسان‌ها را بدون تفاوت و بدون ترجیح یکی بر دیگری، در جریان وصول به یک هدف اعلا قرار داده است. آن هدف اعلاء، چیز دیگری جز قرار گرفتن در جاذبه کمال ربوبی و دیدار خداوندی و جذب شدن به شعاع فروغ ربانی نیست. هیچ انسانی از این جریان مستثنی نیست. وقتی خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ^۱.

و من جن و انس را نیافریده‌ام، جز این‌که برای من عبادت کنند.

این آیه، شامل عموم این هر دو موجود می‌باشد که یکی از آن‌ها در پشت پرده است به نام جن، و دیگری روی پرده می‌باشد به نام انسان.

۷- تساوی در مسیر حرکت برای رسیدن به آن هدف اعلاء

هدف اعلاء را در قسمت قبل ذکر کردیم. اکنون مسئله این است که مسیر این هدف چیست؟ برای رسیدن به چنان هدف والایی، جز حرکت از گذرگاه و مسیر حیات معقول، راه دیگری وجود ندارد. مسیر حرکت برای رسیدن به هدف اعلا، همین حیات معقول است. خداوند متعال به وسیله عقل و وجدان و پیامبران، این مسیر را برای انسان‌ها مشخص فرموده است. روشنایی و هموار بودن این مسیر برای این است که هم عقل سلیم و وجدان پاک ما آن را تأیید می‌کند و هم انبیای عظام با خط نورانی خود، این حیات معقول را به ما نشان داده‌اند. قرار گرفتن در این مسیر، چنان است که ما احساس کنیم در دنیا یک آهنگ بزرگی وجود دارد که خداوند به وجود آورده است و ما در آن شرکت کرده‌ایم و خداوند متعال برای دوری ما از پلیدی‌ها و نیفتادن در چاه‌های مهلک و نابودکننده حیوانیت و دیگر کثافت‌های مهلک، قوانین و احکامی را تعیین فرموده است که به صورت قوانین، احکام اخلاقی و احکام حقوقی می‌باشند. اگر این حقایق و قوانین را با ایمان و اخلاص مورد عمل قرار بدهیم، هر لحظه احساس نزدیکی بیش‌تری نسبت به آن جاذبه اعلا در خود

می‌یابیم و این «حیات معقول» است.

۸- تساوی در کرامت و حیثیت ذاتی

خداوند متعال، همهٔ ما انسان‌ها را به کرامت و حیثیت ذاتی متّصف فرموده و در آیهٔ شریفه‌ای در مورد بنی آدم و انسان فرموده است:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.^۱

ما بدون تردید فرزندان آدم را اکرام نموده و آنان را در خشکی و دریا - برای کار و کوشش - قرار دادیم و از مواد پاکیزه به آنان روزی کردیم و آنان را بر عدهٔ فراوانی از آن چه خلق کردیم، برتری دادیم.

بنابراین، «کَرَّمْنَا» شامل همهٔ اولاد آدم به طور مساوی است که دارای کرامت ذاتی هستند، مگر این‌که همان‌گونه که قبلاً هم اشاره کردیم، به خاطر ارتکاب پلیدی‌ها و کثافت‌ها، خود را از استحقاق چنین کرامت و اتّصاف به آن برکنار کنند و به عنوان مثال، با قتل نفس عمدی، جامعه را به تباهی بکشند.

۹- تساوی در داشتن استعداد وصول به کمال و کرامت ارزشی اختیاری

در این جا نیز خداوند متعال به طور یکسان به همهٔ انسان‌ها نگرسته است، بدین معنا که: استعداد وصول به کرامت و شرف ارزشی اختیاری را برای همهٔ انسان‌ها یکسان قرار داده است، چنان‌که اگر کسی بخواهد کوشش و تلاش کند تا از راه تقوا به کرامت ارزشی برسد، این استعداد برای او وجود دارد، و او هر اندازه که بتواند و هر قدمی که در این راه بردارد، موجب کمال و کرامت ارزشی او خواهد شد. ملاحظه می‌شود که در این جا نیز انسان‌ها با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند و با هم مساوی هستند.

۱۰- اتحاد، پس از نایل شدن به کمال و کرامت ارزشی

چنین اتحادی، موجب وحدت عالی میان همهٔ انسان‌ها می‌شود. این وحدت را می‌توان با این فرمول ارائه داد: همه = ۱ و ۱ = همه.

بدون شک، چنین اتحادی با هیچ یک از مکاتب و نظریات فلسفی امکان‌پذیر نخواهد بود. این از برکت ادیان و به خصوص دین اسلام می‌باشد که ختم‌کنندهٔ همهٔ ادیان و متن کلی دین ابراهیم است و مبین این است که: اگر انسان‌ها در مسیر کمال قرار گرفته و راه سعادت را در پیش گیرند، به یک وحدت عالی خواهند رسید. روایتی در دست داریم که می‌گوید:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ أَشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَرَوَّاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ وَإِنْ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا.^۲

مؤمن برادر مؤمن است، مانند اعضای یک جسد واحد. اگر عضوی ناله کند، درد آن عضو را در بقیهٔ اعضای جسدش درمی‌یابد و روح‌های مؤمنان از یک روح هستند، و روح مؤمن به روح خداوندی از اتّصال شعاع خورشید به خورشید متصل‌تر است.

۱- سورهٔ اسراء / آیهٔ ۷۰.

۲- اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۲ / ۱۶۶؛ ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ج ۳ / ۲۴۲.

۱۱- تساوی در هدفگیری‌ها در هر دو قلمرو (حیات طبیعی و حیات مطلوب) با محوریت اصلی صیانت ذات همه انسان‌ها در حیات طبیعی و حیات معقول، با یکدیگر مساوی هستند و چنان‌چه بخواهیم باهدفگیری حرکت کنیم، «صیانت ذات» محور اصلی حرکت محسوب خواهد شد. همه ما به عنوان انسان، صیانت ذات را در خود به عنوان «اصل الاصول» دارا هستیم. البته این‌جا بحثی در مورد اقسام صیانت داریم. صیانت بر سه قسم است:

۱- صیانت ذات طبیعی محض.

۲- صیانت ذاتی ایده‌آل و مطلوب.

۳- صیانت ذات تکاملی.

به علت مفصل شدن بحث، در این مورد بیش از این شرح نمی‌دهیم.

۱۲- تساوی در مقابل تکالیف، حقوق و هرگونه قانون و مقررات

همه افراد انسانی در مقابل تکالیف، حقوق و هر چیزی که به عنوان مصالح حیات‌شان مقرر شده است، یکسان و مساوی می‌باشند.

۱۳- اتحادی فوق کثرت‌ها و وحدت‌های طبیعی

در این‌جا، ما به حقیقتی می‌رسیم که عبارت است از: انسان‌ها از دیدگاه الهی نیز، یعنی در فراسوی طبیعت، یک حقیقت محسوب می‌شوند:

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا
وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا^۱

از این جهت، به بنی‌اسرائیل مقرر داشتیم: حقیقت این است که اگر کسی، یک انسان را بدون عنوان قصاص یا ایجاد فساد در روی زمین بکشد، مانند این است که همه انسان‌ها را کشته است، و اگر کسی را احیاء کند، مانند این است که همه انسان‌ها را احیاء کرده است.

در این آیه شریفه بیان می‌شود: اگر کسی دیگری را بدون مجوز بکشد، مانند این است که همه انسان‌ها را کشته است و اگر یک نفر را احیاء کند، هر چند با تعلیم و تربیت، گویی همه انسان‌ها را احیاء کرده است. به این معنی که: در جریان روبنایی طبیعت، ما انسان‌ها را دو نفر، سه نفر و پنج نفر و... می‌بینیم، اما در حقیقت، در فراسوی طبیعت، همه از یک وحدت برین برخوردارند.

۱۴- اتحاد در تشکل گروهی جامعه

انسان‌ها برای تشکل گروهی در اجتماع و برای زندگی دسته‌جمعی در این تشکل، حقی برابر دارند و تنها به خاطر کرامت ارزشی با یکدیگر تفاوت دارند. این مسیری است که دین برای ارائه مبنای یک حقوق جهانی، آن را برای بشر مطرح کرده است.